

موسی جارالله؛ دانشمند و متفکر مسلمان تاتار^۱

نوشته: احمد کانلیدره

ترجمه: احمد رنجبری حیدریاگی

کارشناسی ارشد کلام شیعه

EAhmet Kanlidere

موسی جارالله اصالتاً از روستای «کیکینو»^۲ از توابع بخش چمبار استان پنزا^۳ واقع در روسیه جنوبی است. خانواده وی از آنجا کوچیده و در شهر روستوو^۴ سکونت می‌گزینند. موسی جارالله در حین این کوچ خانوادگی، در شهر نووچرکاسک^۵ [به تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۸۷۳] زاده شد. پدرش از روستایان فرهیخته و ثروتمند بود که به سبب تحصیلات دینی و روسی دانی، به عنوان روحانی در منطقه دونتسک^۶ تعیین گردید. مادر وی دختر حضرت داملا حبیب الله بود.

او مدتی در شهر روستوف به مدرسه روسی رفت. مسلمان‌ها در این شهر در اقلیت بودند و این شهر مرکز پرتکاپوی تجارت و اشتغال محسوب می‌شد. او بعد از تحصیل در این شهر به شهر قازان رفت و در سال ۱۸۸۸ به مدرسه کۆل بویو (کۆل بویو) داخل شد. در سال ۱۳۹۵ به ماوراء النهر رفت و در مدارس بخارا به تحصیل خود ادامه داد. از اساتیدی مانند داملا ایواز افندی و داملا اکرام افندی فقه و فلسفه و از داملا میر شریف افندی نیز ریاضیات را فرا گرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات دبیرستانی و آکادمیک به شهر روستوو برگشت. او تا هنگامی که وارد دانشگاه نشده بود، پانزده سال تمام به سیرو سیاحت دینی پرداخت. اگر چه نخستین جایی که برای تحصیل ثبت نام نمود، دانشکده مهندسی استانبول بود، اما خیلی زود این رشته را رها کرد و به علوم اسلامی روی آورد. او نتوانست گمشده خود را در استانبول بیابد و برای تحقق

چکیده:

نوشتار حاضر ترجمه مدخلی

در جلد ۳۱ دایره المعارف اسلام

ترکیه پیرامون موسی جارالله یکی

از دانشمندان مسلمان تاتار است.

نویسنده در این مقاله، زندگی، عقاید

و آثار موسی جارالله را مورد واکاوی

قرار داده است.

کلیدواژه:

موسی جارالله، عالمان مسلمان،

تاتار، مسلمانان روسیه.

۱. این مدخل در جلد ۳۱، ص ۲۱۴-۲۱۶، دائرةالمعارف اسلام ترکیه (İslâm Ansiklopedisi) به چاپ رسیده است. در اینجا لازم است از دوست دانشورم جناب آقای فتح الله ذوقی که اسامی اصلی آثار موسی جارالله را در اختیار من قرار داد تشکر نمایم. این اسامی در پاورقی‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در این نوشتار در پاورقی‌ها اسامی روسی برخی از شهرها و نیز مطالبی درباره اشخاص و... از سایت های اینترنتی فارسی و روسی اضافه شد.

2. Кикино /Kikino.

3. Пенза / Penza.

4. Ростов-на-Дону / Roštov na donu.

شهری در ساحل رودخانه دون، در نزدیکی دریای سیاه، در جنوب شرق روسیه است. به همین دلیل نسبت «روستوفدونی» گاه در نام وی می‌آید.

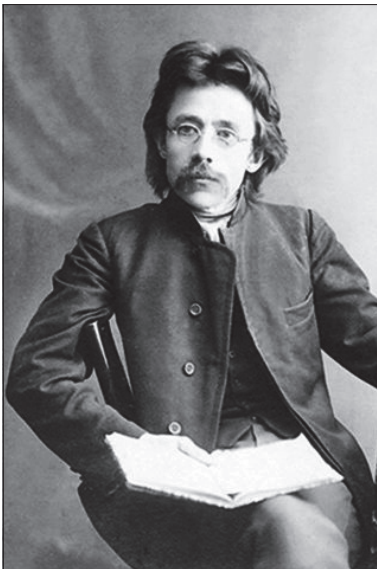
5. Новочеркáск / Novocherkassk.

۶. این منطقه اکنون در جنوب شرق اوکراین قرار دارد که یکی از مناطق اصلی واگرایی از اکراین و درگیر جنگ با حکومت مرکزی است.

(Донецкая область.)

آرزویش به قاهره کوچید. در قاهره سه سال سکونت گزید و در این مدت فقه و حدیث را فرا گرفت. در کنار پژوهش‌های خود در زمینه مصاحف و قرآن، با محمد عبده و محمد بخیت [المطیعی] آشنا شد. حتی نقل شده که از این اساتید علوم دینی آموخته است. او سپس به مکه و مدینه رفت و به پژوهش در حدیث و فقه ادامه داد. در سیاحت دینی خود از حجاز تا شهر دیوبند هندوستان هم دیدار کرد و به شهرهای شام و بیروت در آمد. در اثنای این سیاحت‌ها دانش زبانی عربی و فارسی خود را کامل نمود. از مدارسی که در سفرهای خود به سربرد، شاهد چیزی جز نابسامانی و تفاوت سلیق نبود. در تقابل با از برکردن طوطی وار علوم، از افکار اصلاحی و تجدد طلبی در علوم دینی متأثر گشت.

موسی جارالله در سال ۱۹۰۴ به روسیه سفر نمود و در دانشگاه پترزبورگ، در رشته حقوق به عنوان دانشجوی مهمان به تحصیل پرداخت. او علاوه بر انتشار مقالاتی در مجلات و مطبوعات مترقی و تجددگرایی مانند مجله دوستش عبدالرشید ابراهیم [اوف]^۷ به نام الفت (پترزبورگ، ماه دسامبر، ۱۹۰۵، ژوئن ۱۹۰۷) و مجلاتی مانند التلمیذ، الإصلاح (قازان، اکتبر ۱۹۰۷، ژوئیه ۱۹۰۹) و العصر الجدید (اورالسک، ژانویه ۱۹۰۶، ژانویه ۱۹۰۷) مقالاتی در باب فعالیت‌های سیاسی و حقوق انسانی مسلمانان روسی و لزوم اصلاح شیوه تعلیم و تربیت مدارس نگاشت. تقریباً از سال ۱۹۰۵ به نحوی مؤثر به همکاری با روشنفکران روسی پرداخت که اصالتاً ترک بودند و فعالیت‌های سیاسی آغاز کرده بودند. او در دومین کنگره سال ۱۹۰۶ ماه ژانویه دبیر اول بود و در کنگره سوم سال ۱۹۰۶ در روسیه به عنوان عضو مرکزی تشکیلات اتحاد مسلمانان روسیه برگزیده شد.



جارالله در اواخر سال ۱۹۰۹ به شهر اورنبورگ کوچید و آنجا در مدرسه حسینیّه تدریس را آغاز نمود. به سبب چاپ مقاله‌ای با نام «رحمت الهیّه» در مجله شورا،^۸ به سختی مورد انتقاد علمای سنت‌گرا قرار گرفت و مجبور شد به سال ۱۹۱۰ از آن مدرسه جدا شود و به پترزبورگ برگردد. وی با اینکه ترجمه قرآن به زبان تاتاری را در سال ۱۹۱۲ تمام کرده بود، اما موفق به انتشار آن نشد. چاپخانه «امانت» را به سال ۱۹۱۳ در پترزبورگ تأسیس کرد و با همکاری محمد ایاز اسحاقی ایدلی انتشار مجله موسوم به ایل (وطن) را آغاز نمود.

او در این نوشته‌های خود در آن دوره به طور آشکار نظر کسانی مانند دوستش ضیاء الدین کمالی و جلال نوری (روشنفکر عثمانی) را که خواهان همه‌پرسی، اصلاح و رفرف در زمینه اسلام بودند نمی‌پذیرد و نادرستی آن را اعلام می‌کند. وی به سال ۱۹۱۴ اثری با نام ملاحظه تألیف کرده، نظرات رضاء الدین بن فخرالدین را مبنی بر جدایی دین از دنیا (دین از سیاست) را به نقد کشید. به اعتقاد موسی جارالله جدایی کلیسا از دولت در جهان غرب که منجر به جدایی دین از زندگی می‌شد قابل انطباق با اسلام نیست.

او در پنجمین کنگره عمومی مسلمانان روسیه، در قالب گزارشی به دفاع از برابری حقوق زن و مرد پرداخت. علاوه بر آن پیشنهادی مرتبط با امکان حفظ توأمان آزادی دینی و آزادی ملی را ارائه داد، اما برخلاف این راهکار فردی به نام عالمجان ابراهیموف از نزدیکان سیستم اداری و حزب کمونیست مورد پذیرش اعضای کنگره قرار گرفت.^۹ راهکار او چنین بود که اتحادیه‌های فرهنگی، ادبی و اداری مسلمانان ایجاد شود و

۷. وی در سال ۱۸۵۷ در منطقه تارا در زمان امپراطوری روسیه به دنیا آمد وی روحانی، خطیب، قاضی، روزنامه‌نگار، اسلام‌گرا و طرفدار جریان جدیدیان تاتاری تبار به شمار می‌آمد. او مجله الفت را به زبان تاتاری در پترزبورگ منتشر می‌کرد. در ۲۲ سالگی در مدارس مختلفی در قزاقستان و روسیه تعلیم اسلامی آموخت. در ۱۸۷۸م در مدینه به تحصیلات خود ادامه داد و به سال ۱۸۸۵م به روسیه برگشت. به سال ۱۸۹۷م به ترکیه عثمانی رفت و در ۱۹۰۲م به سبب ناراضیاتی‌هایی که در ترکیه به وجود آورد از آنجا رانده شد. بعد به ژاپن رفت و به عنوان رهبر جنبش‌های ضد روسی شناخته شد. از سال ۱۹۱۳م به عنوان سردبیر مجله اسلام دنیاسی به فعالیت ادامه داد.

۸. مجله شورا (۳۲ صفحه‌ای هر پانزده روز یک بار) از ذیحجه ۱۳۲۵ / ژانویه ۱۹۰۸ با سرمایه ذاکر و شاکر می‌یف در اورنبورگ انتشار یافت، اما در ربیع الآخر ۱۳۳۶ / ژانویه ۱۹۱۸م و با به قدرت رسیدن بلشویک‌ها از انتشار بازماند. این مجله با مدیریت رضالدین فخرالدین (متوفای ۱۳۱۵ش / ۱۹۳۶م)، عالم و متفکر متجدد برجسته تاتار و همکاری نزدیک فاتح کریموف و نویسندگانی چون موسی جارالله، برهان شرف و هادی اطلسی منتشر می‌شد و یکی از موفق‌ترین و پرخواننده‌ترین مجلات تاتارهای منطقه ولگا، اورال بود، چنان‌که چاپ شدن مطلبی در آن مایه افتخار نویسندگان آن به شمار می‌آمد.

۹. عالمجان ابراهیموف (درگذشته به سال ۱۹۳۸م) در خانواده‌ای روحانی در آستانه اوفاه به سال ۱۸۸۷م به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در خانه

به این ترتیب جمهوریت های مستقلی در محدوده های معین تشکیل گردد. در سال ۱۹۱۹-۱۹۲۰ جاراالله به کمک مسلمانان هندی پرداخت که از سرزمینشان تبعید شده بودند و به دنبال اشغال کشور توسط بلشویک ها، در اواخر سال ۱۹۲۰ مجبور به کوچ به بخارا شد و آنجا شاهد براندازی مدنی حکومت از سوی مردم بود. به سال ۱۹۲۱ به اتهام تلاش بر علیه نظام شورایی کمونیست ها در تاشکند دستگیر شد و به یازده ماه زندان محکوم شد. او پس از تحمل حبس به لنینگراد برگشت و به عنوان امام جامع مسجد آن شهر به خدمت پرداخت. به دنبال انتشار اثری موسوم به خطاب به ملل اسلامی^{۱۰} به سال ۱۹۲۳ در برلین دوباره به مدت سه ماه زندانی شد. در ادامه سه سال نیز به مسکو تبعید گشت.

موسی جاراالله به سال ۱۹۲۶ در کنگره عمومی مسلمانان در مکه و کنگره خلافت در مصر شرکت کرد. در سال ۱۹۲۷ نیز به قصد ادای حج و شرکت در دومین کنگره خلافت به قدس سفر نمود. در پی تشدید فشار علیه عالمان مسلمان، خانواده اش را رها کرده، از روسیه گریخت. نخست به افغانستان و هندوستان و سپس به مصر رفت و به سال ۱۹۳۲ در نخستین کنگره «تاریخ ترک» شرکت کرد و به سال ۱۹۳۳ به برلین رفته، چاپخانه ای با حروف عربی دایر نمود و بعضی از آثار خود را منتشر نمود. به سال ۱۹۳۴ برای بررسی و پژوهش درباره شیعیان به ایران و عراق مسافرت کرد و با مجتهدان شیعی از قبیل سید محسن امین دیدار نمود. او از مصر به هندوستان و از آنجا به ژاپن رفت و تا پایان ۱۹۳۸ در توکیو زندگی کرد. با آغاز دومین جنگ جهانی از ژاپن به هندوستان رفت و در آنجا به اتهام و استناد به طرفداری از ژاپنی ها توسط انگلیس ها بازداشت شد. بعد از نیم سال حبس، به شرط تحت نظر بودن در شهر یهو پال آزاد شد. در این میان به فعالیت های علمی اش ادامه داد و در سال های ۱۹۴۴-۱۹۴۶ وی ده اثر به انتشار رساند. به سبب بیماری اش در سال ۱۹۴۷ در قاهره و سپس استانبول مورد مداوا قرار گرفت. وی گرچه به عنوان شهروند ترک پذیرفته شد، اما به سبب عدم ناسازگاری آب و هوای استانبول با مزاجش دوباره به قاهره برگشت. موسی جاراالله بعد از دوری نوزده ساله از خانواده اش در ماه اکتبر ۱۹۴۹ در قاهره وفات نمود و در گورستان خدیوّه در عقیقه دفن گردید.

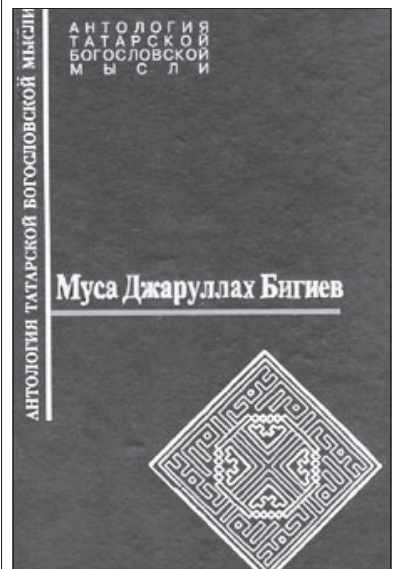
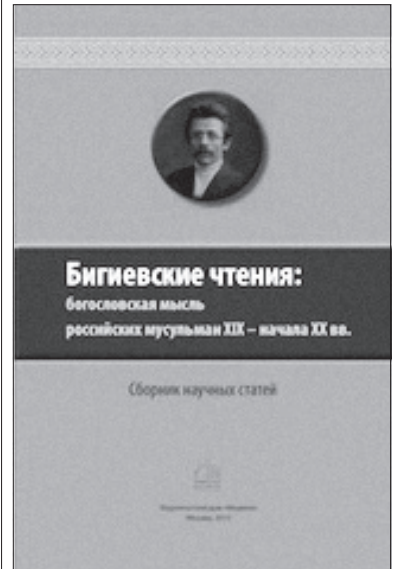
موسی جاراالله از علمای پیشگام حرکات اصلاحی تجددگرایی در میان مسلمانان روسیه از جمله قورسای،^{۱۱} مرجانی و رضاء الدین فخرالدین متأثر بود. به این سبب در اندیشه های وی به وفور به تفکرات سلفی گری و تصوف برمی خوریم. علی رغم دفاع از تجددگرایی، به مخالفتش با لزوم اجتهاد و تقلید پرداخته و گفته که نیازی نیست اسلام به اصلاحات، رفرم و همه پرسی گذاشته شود. به اعتقاد موسی جاراالله، اصلاح سیستم مکاتب و مدارس و به سامان رساندن اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان روسیه از مهم ترین مسائل مسلمانان روسیه بود. او از دور بودن مفاد درسی مدارس از علوم اسلامی گله کرده، خواستار برجسته سازی علمی مانند کلام و منطق و توجه به جنبه های اجتماعی قرآن شد. وی همچنین بر لزوم تدریس علمی مانند حدیث، تفسیر، تاریخ، علوم طبیعی و ریاضیات صحّه گذارده، اشتباه بودن تعلیماتی که از زندگی اجتماعی و علوم مدرن دور است را گوشزد نموده است. به این ترتیب او مخالفت خود با دو گروه سنت گرایان مخالف تجدد مدارس و نیز تجددگرا که فقط طرفدار تدریس علوم مدرن بودند ابراز داشت.

موسی جاراالله که به پژوهش های علمی حقوقی نیز اهمیت قائل بود، می گفت که ترویج تقلید و تنبلی فکری

۱۰. فراگرفت. در سال ۱۸۹۹م در مدرسه حسینه در اورنبورگ پذیرفته شد. ۱۹۰۶، ۱۹۰۸م در مدرسه قالیبا به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۱۲ به کی یف رفت و به عضویت «گروه سزی دانشجویان مسلمان» درآمد. به سال ۱۹۱۳م دستگیر شد و به دلیل نبود دلایل کافی آزاد شد، ولی سال های متممادی زیر نظر مأموران دولتی بوده است.

۱۱. اسلام ملترینه.

۱۱. عبد الناصر بن ابراهیم بن یارمحمد ابن اشتراک الکورسای وابسته به طریقت نقشبندی به سال ۱۷۷۶م در روستای کورسا در تاتارستان در خانواده ای تاجر به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدرسه مسگره به پایان برد و در بخارا نزد نیاز گل ترکمنی نیز به تحصیل پرداخت و به کمک نزدیکانش در کورسا مدرسه ای بنا کرده و در آنجا به تدریس پرداخت. بعد از آن در برگشت به بخارا به مباحث جدید علاقه نشان داده و به تبلیغ آن پرداخت. در سال ۱۸۱۲م به نیت سفر حج از وطن خارج شد و در راه با مرض وبا از دنیا رفت و در بخش اسکودار شهر استانبول به خاک سپرده شد.



با از میان برداشتن آزادی اجتهاد، علت اساسی عقب ماندگی دنیای اسلام است. او در مسئله تقلید، فقها را و در ورود فلسفه و افکار بیگانه به عقاید اسلامی متکلمان را مسئول می دانست.

وی اهمیت دادن بسیار اسلام به عقل را مایه ظهور مذاهب مختلف اسلامی می داند و موضع گیری علمای بعدی را موجب از بین رفتن این آزادی فکری می داند و این گونه نسبت به تعصب مذهبی واکنش نشان می دهد.^{۱۲} به نظری علم کلام موجب از بین رفتن پویائی سال های اولیه اسلام شده و ذهن مسلمانان را با مناقشه های غیرلازم مشغول کرده است و عقیده صاف و ساده اسلامی را به حالت پیچیده ای درآورده است. به همین دلیل بهترین راه برگزیدن گرایش «سلف» است که قرآن کریم و سنت حضرت پیامبر را بسیار خوب می دانسته اند.

در مقابل پژوهش های فقهی و کلامی، موسی جارالله که به تصوف نیز اهمیت می دهد، به اهمیت «شهود» در مقابل عقل نیز باور دارد و آن را دارای نوعی زاویه دید عقلی می شمارد و رویکرد مثبت تصوف نسبت به موضوعاتی مانند رواداری [دینی] و آزادی فکری را می ستاید. در کنار این اظهار می دارد که مفاهیمی مانند امام منتظر، غوث، قطب، اوتاد، نجبا و ابدال، بعدها به تصوف داخل شده اند و به نقد برداشت رهبانی گرایانه از تصوف می پردازد.

موسی جارالله به شدت به رانده شدن زن از زندگی اجتماعی و محرومیت وی از تحصیل اعتراض داشت. او برای کسب دوباره جایگاه زن آنچنان که در دوران نخستین اسلام بود، از لزوم تعلیم و تربیت زنان و تضمین اجرای حقوق زنان داد سخن سر می دهد. او اهمیت مطالعات در حوزه تاریخ ادیان را لمس کرده بود و باور داشت که هنگام سخن از ادیان مختلف نباید یکی را بر حق و دیگری را باطل دانست.

وی در اثری موسوم به براهین رحمت الهیه می نویسد: عذاب دائمی در جهان آخرت با رحمت خداوند سازگاری ندارد و از لطف او به دور است و همگان در حیطه مغفرت و آمرزش او قرار می گیرند و بخشیده خواهند شد. وی به سبب این نگرش و باور مورد انتقاد مصطفی صبری افندی قرار گرفت.

با وجود این جارالله که نوگرا شناخته می شود، اظهار می دارد که باید به هنگام سخن گفتن درباره قرآن کریم و حضرت محمد (ص) از زبان و ادبیاتی احترام آمیزیاری گرفت و نبایستی در شمار اصلاح طلبان و غرب زدگانی قرار گرفت که تمام اطلاعات خود را از غربیان فرا گرفته اند.^{۱۳} موسی جارالله به عنوان یکی از شخصیت های بزرگ نشو و نما یافته در منطقه ایدل. اورال است، دانشمند و متفکری که فرهنگ روسی را به خوبی می شناخت. وی با چالش ها و مشکلات جهان اسلام به صورت تنگاتنگ آشنا بود و همچنین آگاه از جریان های نوگرای اسلامی بود و به علوم قرآنی، حقوق اسلامی و دانش حدیث واقف بود.

به دنبال تشدید فشار توسط حکومت شوروی نسبت به عالمان مسلمانان تاتاری تلاش می شد نام موسی جارالله نیز مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته و از اذهان زدوده شود. با وجود این همه محدودیت، تفکرات او محدود به سرزمین های تحت اشغال روس نمانده، به مناطق مختلف و در رأس آنها در هندوستان، مصر و ترکیه اشاعه یافت. در اواخر قرن بیستم، خاصه در تاتارستان و ترکیه، تحقیقات درباره او سرعت گرفت. آثارش منتشر گشت و تفکراتش در سمینارهای مختلف مورد مذاقه قرار گرفت. علاوه بر زندگینامه ای که احمد کانلی دره و محمد گورمز در مورد او ارائه داده اند (بنگر به: فهرست منابع همین مدخل)، به مناسب

۱۲. جالب است که موسی جارالله برخلاف این دیدگاه کتابی با نام الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة (قاهره، ۱۹۳۵-۱۴۰۳) در انتقاد ورد برخی از عقائد شیعی نوشت. چند عالم شیعی بر این کتاب نقد نوشته اند: أجوبة مسائل جارالله از علامه عبدالحسین شرف الدین، نظرة فی کتاب الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة از علامه امینی، نقض الوشیعة أو الشیعة بین الحقایق والأوهام از علامه سید محسن امین، کشف الإشتباه فی الرد علی موسی جارالله از شیخ عبدالحسین رشتی النجفی، شیعة الهدی از شیخ مهدی حجار نجفی والرد علی مسائل موسی جارالله از شیخ هادی کاشف الغطاء.

۱۳. رک به: ارزش علمی مجتهدان جدید، (yeni mucethtilerin kiymeti ilmiyyesi)، ص ۵ - ۶.

او در این نوشته های خود در آن دوره به طور آشکار نظر کسانی مانند دوستش ضیاءالدین کمالی و جلال نوری (روشنفکر عثمانی) را که خواهان همه پرسی، اصلاح و رفم در زمینه اسلام بودند نمی پذیرد و نادرستی آن را اعلام می کند. وی به سال ۱۹۱۴ اثری با نام ملاحظه تألیف کرده، نظرات رضاءالدین بن فخرالدین را مبنی بر جدایی دین از دنیا (دین از سیاست) را به نقد کشید.

در میان آثار منتشر شده موسی جارالله، ۴۴ اثر تألیفی و ۱۵ ترجمه شرح و نشر کتاب وجود دارد که از انتساب آنها به وی مطمئن هستیم. او در امر زبان تداوم روش اسماعیل گاسپیرالی است و زبانی نزدیک به زبان معیار ترکی استانبولی دارد.

۹. نظری به عقاید الهی انسان‌ها^{۱۹} (اورنبورگ، ۱۹۱۱). او این کتاب را در راستای پاسخگویی به انتقادات اثر اخیر تألیف نموده. حکمت آغپور دو کتاب اخیر را به همراه مقاله‌ای تحت عنوان مسئله رحمت الاهیة به نام اورنسل قورتولوش (رهایی جهانی) (استانبول، ۱۹۹۱) و عمره. اوزالپ دو اثر نامبرده را به همراه کتاب ارزش علمی مجتهدان جدید به نام عدالت اسلامی (استانبول، ۱۹۹۶) به ترکی استانبولی ترجمه و منتشر نموده است.

۱۰. روزه در روزهای طولانی^{۲۰} (قازان، ۱۹۱۱). در این اثر به موضوع نماز و روزه در مناطق شمالی، همچنین مسئله اجتهاد، آفرینش حضرت آدم، ذوالقرنین، مضرات تقلید، آزادی تعقل و اندیشه و مسائلی مانند قیاس و نسخ پرداخته است.

۱۱. مسائلی در باب اعتقادات مردم^{۲۱} (قازان، ۱۹۱۲). این کتاب در رابطه با موضوعاتی مانند دلایل عقب ماندگی جهان اسلام، ارتباط ایمان و عمل، ترجمه قرآن و مسائلی دیگر نگاشته شده است.

۱۲. تفکرات خفیف و کوچک در موضوعات بزرگ^{۲۲} (پترزبورگ، ۱۹۱۴). این کتاب تلاشی در نقد اثر ضیاء الدین کمالی به نام تدابیر دینی^{۲۳} (اوا، ۱۹۱۳) و انتقادات وی علیه تصوف است.

۱۳. ملاحظات (پترزبورگ، ۱۹۱۴). مؤلف در این اثر کتاب مسائلی دینی، اجتماعی^{۲۴} از رضاء الدین فخرالدین را بررسی کرده و جزآن به مسائلی مانند قرض و ربا نیز پرداخته است.

۱۴. اساس اصلاحات^{۲۵} (پترزبورگ، ۱۹۱۵). این کتاب مهم‌ترین اثر جاراالله است و در ارتباط با حرکات سیاسی مسلمانان روسیه است که از سال ۱۹۰۴ آغاز شد.

۱۵. زکات (پترزبورگ، ۱۹۱۶). این کتاب از میان مقالات منتشره او در مجله شورا گردآوری شده و به مسائلی مانند سود و ربا و مسائل بانکی می‌پردازد. این اثر در سال‌های اخیر از سوی دانشگاه اسلامی مسکو تجدید چاپ شده است.

۱۶. اساس شریعت^{۲۶} (پترزبورگ، ۱۹۱۷). این اثر به اصول فقه، مسئله اجتهاد، شکل‌گیری مذاهب، حقوق زن و حجاب مربوط است و از سوی حاتیجه (خدیجه) گورمز به ترکی استانبولی ترجمه شده و با نام اصول شریعت اسلامی: ثابت‌ها و متغیرها (آنکارا، ۲۰۰۲) به چاپ رسیده است.

۱۷. خطاب به ملل اسلامی^{۲۷} (برلین، ۱۹۲۳). این کتاب به قصد

پنجاهمین سالگرد وفاتش از سوی اوقاف دیانت ترکیه و دانشگاه احمد یوسی، نخستین کنگره موسی جاراالله بیگنیف ترتیب یافته (آنکارا، ۶، ۷ نوامبر ۱۹۹۹) که تبلیغاتش منتشر شد (آنکارا، ۲۰۰۲). علاوه بر این در نخستین همایش بین‌المللی فرهنگ مسلمانان ولگا. اورال (۸، ۱۱، ژوئن ۲۰۰۱) و دومین همایش (۲۴، ۲۶، ژوئن ۲۰۰۵) اطلاعات مبسوطی درباره موسی جاراالله ارائه گردید.^{۱۴}

آثار وی

در میان آثار منتشرشده موسی جاراالله، ۴۴ اثر تألیفی و ۱۵ ترجمه شرح و نشر کتاب وجود دارد که از انتساب آنها به وی مطمئن هستیم. او در امر زبان تداوم روش اسماعیل گاسپیرالی است و زبانی نزدیک به زبان معیار ترکی استانبولی دارد. خارج از برخی رسالات عربی‌اش، عمده آثارش را بین سال‌های ۱۹۰۵ - ۱۹۳۵ به رشته تحریر درآورده و همگی به ترکی تاتاری هستند. جاراالله بعد از ۱۹۳۵ تمام تألیفات خود را به عربی نگاشته است. در عنوان داخل جلد کتاب خود موسوم به خاتون و کتاب ایام حیات النبی (منتشرشده در قاهره به سال ۱۹۳۵)، در کتاب نظام التقویم فی الإسلام و نظام النسب عند العرب امضای ابن فاطمه را به کار بسته است که بازتاب‌دهنده نسبت مادری است.

در رأس آثار وی این کتب قرار دارند:

۱. تاریخ القرآن و المصاحف (پترزبورگ، ۱۹۰۵).
۲. سومین ندوات رسمی عموم مسلمین روس^{۱۵} (قازان، ۱۹۰۶)،
۳. برنامه اتحاد مسلمانان روسیه^{۱۶} (پترزبورگ، ۱۹۰۶)،
۴. ادبیات عربی به همراه علوم اسلامی^{۱۷} (قازان، بی‌تا). این کتاب دارای معلوماتی در باب لزوم اصلاح مدارس اسلامی و نیز حاوی دروس این مدارس و توصیف اصول قدیمی است.
۵. تصحیح رسم خط قرآن (قازان، ۱۹۰۹). این اثر مرتبط با تصحیح خطاهای چاپی در قرآن‌های چاپ شده در شهر قازان است.
۶. شریعت چرا به رؤیت اعتبار داده است؟ (قازان، ۱۹۰۹) [؟].
۷. قواعد فقهیة (قازان، ۱۹۱۰). این کتاب در واقع لیست ۲۰۱ ماده‌ای فقه است که در نظر داشت به سبک و سیاق مجله احکام الشریعة منتشر نماید.
۸. براهین رحمت الهیة^{۱۸} (اورنبورگ، ۱۹۱۱). این کتاب از مهم‌ترین آثار موسی جاراالله به شمار می‌رود و واکنش‌های بسیاری در پی داشته و آثار فراوانی در تأیید و رد آن نگاشته شده است.

۱۹. انسانلرک عقیده‌ء الهیه لربنه بر نظر.

۲۰. اوزون کونلرده روزه.

۲۱. خلق نظرینه بر نیچه مسئله.

۲۲. بویوک موضوع لرده اوفاق فکری. انتقاد مقاله لری صورتیله یازلمش.

۲۳. دینی تدبیرلر.

۲۴. دینی اجتماعی مسأله لر.

۲۵. اصلاحات اساسلاری.

۲۶. شریعت اساسلاری.

۲۷. اسلام ملترینه.

۱۴. همچنین در ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۹۴ و ۱۰۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ نیز مراسم بزرگداشتی در شهر سن پترزبورگ روسیه با همکاری شورای مفتیان روسیه و برخی از نهادهای ایرانی مانند جامعه المصطفی العالمیه برگزار شد.

۱۵. عموم روسیا مسلمانلاری نین رسمی ندوه سی.

۱۶. روسیا مسلمانلاری نین اتفافی نین پروغرامی.

۱۷. ادبیات عربیه ایله علوم اسلامیته.

۱۸. رحمت الهیه برهانلری.

گرچه می دانیم موسی جارالله ترجمه‌ای از قرآن به تاتاری دارد، اما از سرگذشت این ترجمه اطلاعی در دست نیست.^{۳۱}

در ادامه به معرفی آثار ترجمه شده توسط موسی جارالله می پردازیم:

۱. قدرت در علوم،^{۳۲} ترجمه اثری از روژیکوف (پترزبورگ، ۱۹۰۵)
 ۲. ترجمه اللزومیات ابوالاعلی معری (قازان، ۱۹۰۷). در آغاز اثر اطلاعات وسیعی درباره معری به نگارش درآمده است.
 ۳. ترجمه دیوان حافظ شیرازی (قازان، ۱۹۱۰)
- در ادامه نام برخی از کتاب‌هایی را که شرح کرده یا فقط به چاپ رسانده برمی شماریم:
۱. چاپ شرح و متن سه اثر از قاسم بن فیره الشاطبی با نام‌های الشاطبیه (قازان، ۱۹۰۷)، العقیلة (قازان، ۱۹۰۸)، ناظمة [الزهر] فی عدای القرآن الکریم] (اورنبورگ، ۱۹۱۰).
 ۲. الموافقات از ابراهیم بن موسی الشاطبیه (قازان، ۱۹۰۹)
 ۳. افاضة الکرام از ابن حجر عسقلانی (قازان، ۱۹۰۹)
 ۴. نزهة النظر فی توضیح نخبة الفکر از ابن حجر عسقلانی (اورنبورگ، ۱۹۱۰)
 ۵. الطیبة النشر فی قراءات العشر از ابن الجزری (قازان، ۱۹۱۲)
 ۶. سیاحت در ماوراء النهره^{۳۳} از محمد ظاهر بیگی (قازان، ۱۹۰۸)
 ۷. الموطأ امام مالکی (۱۹۰۹ [؟])
 ۸. الدلیل الصریح فی نزول المسیح از احمد بن امین الشنقیطی (قازان، ۱۹۰۹)
 ۹. برگ‌های فراموش شده تاریخ^{۳۴} از عبد الرشید ابراهیم (برلین، ۱۹۳۳)
 ۱۰. الهام الرحمان فی تفسیر القرآن از عبید الله السنندی (کراچی، ۱۹۴۴)

کتابنامه

Müsa Cârullah, Uzun Günlerde Oruç (s. nşr. Yusuf Uralgiray), Ankara 1975, s. 1-22, ayrıca bk. neşredenin önsözü, s. VII-XXVI; Mustafa Sabri, Yeni İslâm Müctehidlerinin Kıymet-i İlmiyyesi, İstanbul 1337, tür.yer.; Veli Ahmed Hakim, Üstâd-ı Şehir Müsa Cârullah Hazretleri Hakkında Mülâhazalar, Helsinki 1950; Abdullah Battal Taymas, Musa Carullah Bigi, İstanbul 1958; Mehmet Görmez, Musa Carullah Bigiyef, Ankara 1994; Aydar Hayrutdinov, Posledniy Tatarskiy Bogoslov: Jizn i Nasledie Musı Djarullaxa Bigieva, Kazan 1999; ölümünün 50. Yıldönümünde Musa Carullah Bigiyef (1875-1949), Ankara 2002; Ahmet Kanlıdere, Kadimle Cedit Arasında Musa Cârullah: Hayatı, Eserleri, Fikirleri, İstanbul 2005; Âlimcan el-İdrisî, "Musa Efen-di Bigey", TY, VIII/89 (1331), s. 2696-2703; Zeki Velidi Togan, "Müsa Cârullah: Mesleği, Şahsiyeti ve Eserleri", Tasvir, İstanbul 16 Eylül 1947; a.mlf., "Büyük Âlim Musa Carullah Reformatör müdür?", a.e., 23 Eylül 1947; Azade-Ayşe Rorlich, "Bigi, Musa Yarullah", The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World (ed. J. L. Esposito), Oxford 1995, I, 216-218.

۳۱. این اثر در سال‌های ۱۹۱۲م و ۲۰۱۰م در قازان به چاپ رسیده است.

۳۲. علمده قدرت.

۳۳. ماوراء النهره: سیاحت.

۳۴. تاریخین اونودوموش صحیفه‌لری.

پاسخگویی به ایدئولوژی کمونیسم، با تکیه به اصول اسلامی نگاشته شده است. نخست در مجله سبیل الرشاد (استانبول ۱۹۲۳، ۱۹۲۴) و سپس توسط ابراهیم ماراش و سیف‌الدین ارشاهین تحت عنوان الفبای اسلامی (آنکارا، ۱۹۹۷) منتشر شد.

۱۸. مسائل مسکرات^{۳۸} (استانبول، ۱۹۲۷). توسط فرهاد قوجا به الفبای لاتین (آنکارا، ۲۰۰۳) منتشر شده است.
۱۹. یا جوج، بنا به افادات موجز آیات کریمه قرآن کریم^{۳۹} (برلین، ۱۹۳۳).
۲۰. خاتون (برلین، ۱۹۳۳). در موضوعاتی مانند حجاب، برابری زن و مرد، چند همسری، طلاق و مسئله شهادت دادن زنان و چگونگی ارث بردن آنهاست. او در این کتاب رویکردهای قدیمی را به نقد کشیده است. محمد گورمز این اثر را به ترکی استانبولی ترجمه نموده و تحت همان نام (آنکارا، ۱۹۹۹) منتشر کرده است
۲۱. الوشیعة فی نقد عقائد الشیعة (قاہره، ۱۹۳۵ - ۱۴۰۳). عبدالحسین شرف‌الدین الموسوی ردی‌ای موسوم به أجوبة مسائل جارالله (نجف ۱۹۳۵) بر این کتاب نگاشته است.
۲۲. صحیفة الفرائض (بهوپال، ۱۹۴۴)
۲۳. صرف القرآن الکریم (بهوپال، ۱۹۴۴).
۲۴. حروف اوائل السور (بهوپال، ۱۹۴۴).
۲۵. ترتیب السور الکریمه و تناسبها فی النزول و فی المصاحف (بهوپال، ۱۹۴۴).
۲۶. کتاب الستة (بهوپال ۱۹۴۵). اثری در انتقاد از نظرات دینی اهل قرآن (قرآنیون) هند^{۳۰} است که احادیث را به عنوان منابع اصلی نمی پذیرفتند. این کتاب از سوی محمد گورمز به استانبولی ترجمه و به همان نام (آنکارا، ۱۹۸۸) منتشر شده است.

۳۸. مسکرات مسأله‌لری.

۳۹. قرآن کریم آیت کریمه‌لری نین موجز افاده‌لرینه گوره یا جوج. این کتاب در چاپ محمد عماره (الزهر، ۱۴۳۶ / ۱۰۱۴، ص ۳۸۶) بدین صورت معرفی شده است: يعجوج فی التعبیرات المعجزة فی آیات القرآن الکریم (رک: مقدمه، ص ۱۶).

۳۰. حدیث پس از قرآن دومین منبع استنباط احکام فقہی و شریعت اسلامی شناخته می‌شود. عموم مسلمانان حدیث را تنها ابزار دستیابی به سنت نبوی (قول، فعل و تقریر پیامبر) می‌دانند. بنابراین حدیث نقشی اساسی در شکل‌گیری سنت اسلامی داشته است تا آنجا که تلقی عام این است که حدیث همواره از حجیتی بی‌چون و چرا برخوردار بوده، اما بررسی تاریخی نشان می‌دهد که حدیث همواره از این مقبولیت و حجیت گسترده و عام بهره‌مند نبوده است. در آثار اسلامی کهن مخالفت‌هایی با نقل و ضبط حدیث و کاربرد آن به عنوان منبع استنباط احکام شرعی گزارش شده است. در سده نوزدهم و بیستم میلادی نیز دوباره تردیدها و مخالفت‌هایی با حدیث شکل گرفته است که لزوماً محدود به یک منطقه جغرافیایی خاص نیست. اهل قرآن / قرآنیون فرقه‌ای از مسلمانانند که به اصالت و کفایت قرآن به عنوان یگانه منبع تشریع احکام اعتقاد دارند و حجیت حدیث را انکار می‌کنند. مدعای اصلی آنان این است که قرآن تنها وحی نازل شده از جانب خدا و یگانه حجت شرعی در اسلام است. مخالفان این فرقه از آنها با عنوان منکران حدیث یاد می‌کنند. درباره تاریخچه، خاستگاه‌ها و مؤلفه‌های فکری این جریان پژوهش‌های مستقل اندکی صورت گرفته است. از آن جمله می‌توان به کتاب القرآنیون و شبهاتهم حول السنه (طائف، ۱۴۲۱/۲۰۰۰) اثر خادم حسین الهی بخش و حدیث به مثابه متن مقدس (نیویورک، ۲۰۰۸) اثر عایشه موسی اشاره کرد. این دو اثر از موضعی جانبدارانه نگاشته شده‌اند، چنان‌که مؤلف تحقیق نخست که صرفاً ناظر به فرقه اهل قرآن در شبهه قاره هند است (رک: «قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث: بررسی خاستگاه و اندیشه‌های اهل قرآن / قرآنیون»، فصلنامه معرفت کلامی، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۹۱ - ۱۱۲).